



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

جهان خلقت

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
والآله الطيبين الطاهرين

— (به انضمام) —

زیارت آل یس
و
سلام الله الكامل التام

نویسنده

محمد امیر سوادکوهی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جهان خلقت در پناه اهل بیت علیهم السلام

نویسنده:

محمد امیری سوادکوهی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	جهان خلقت در پناه اهل بیت علیهم السلام
۷	مشخصات کتاب
۷	إلهی عَظُمُ الْبِلَاءُ
۷	گرفتاری ها و تلاطم ها
۸	بازگشت به فطرت
۱۰	راه نجات
۱۲	دنیا تشنه منجی!
۱۳	امامان معصوم علیهم السلام، پناهگاه عالم
۱۴	تبیین « پناهگاه جهان خلقت »
۱۵	اهل بیت علیهم السلام ، پناهگاه انبیاء الهی
۱۶	پناهندگی به اهل بیت علیهم السلام در همه جا و همه حال و ...
۱۷	پناهندگی غیر شیعیان به اهل البیت علیهم السلام
۱۸	ترس از آشکار شدن پناهگاه بودن اهل بیت علیهم السلام
۲۰	توضیحی شایسته
۲۱	امام حسین علیه السلام باب نجات امت
۲۲	وسیع ترین پناهگاه
۲۲	پناهگاه امن در عصر غیبت
۲۳	امام زمان غوث امت!
۲۵	گفتاری حکیمانه در پناهنده شدن به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۲۷	برای در امان ماندن شیعیان سامرا از وبا
۲۸	زیارت ، پنجره ای به سوی پناهگاه
۲۹	قبور مطهر امامزادگان عظیم الشأن شعبه ای از ...
۲۹	تشرف آیت الله نمازی به محضر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و فریادرسی آن حضرت

- گم شدن در بیابان ۳۰
- فردا صبح روز سوم ، آب و بنزین هم تمام شد. ۳۱
- ایران از برکات اهل بیت علیهم السلام برخوردار است ۳۸
- زیارت آل یاسین و سلام الله الکامل ۴۰
- زیارت آل یس ۴۱
- استغاثه به حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۴۹
- درباره مرکز ۵۲

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۷

عنوان و نام پدید آور: جهان خلقت در پناه اهل بیت علیهم السلام / محمد امیری سواد کوهی.

مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه ، رایانه و کتاب

موضوع: مهدویت - اهل بیت علیهم السلام

الهی عَظْمُ الْبَلَاءِ

وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءُ

وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ

السَّمَاءُ وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ إِلَيْكَ الْمُسْتَكِي وَ عَلَيْكَ

الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَ عَرَفْتَنَا بِمَدْلِكَ مَنَزَلَتَهُمْ
فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا كَلِمَحِ الْبَصِيرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ أَكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِ وَ انصُرَانِي
فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِ يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ

الرَّامَانَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ

أَدْرِكُنِي أَدْرِكُنِي أَدْرِكُنِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ

السَّاعَةَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ يَا أَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ

آلِهِ الطَّاهِرِينَ .

ص: ۱

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين .

زندگی پیچ و تاب‌های فراوانی دارد و ما در این ناهمواری‌ها مبتلای به تلاطم‌های بی حد و حصری هستیم که جامعه را ملتهب‌تر از دیروز و آشفته‌تر از هر زمان نموده و در این مسیر زخم‌ها عمیق‌تر و دردها طاقت فرساتر شده و دل‌های مضطر ، سودای یأس و ناامیدی در کویر تفتیده غم سر می‌دهند .

آنجاست که ناگزیر بشر به سمت یک کمال مطلق رهنمون و دست نیاز به سوی خالق بی نیاز دراز کرده و وجود خود را در دایره امن عبودیت و بندگی او قرار می‌دهد و **حَوْلَ حَالِنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ** را از خدا و ائمه هدی طلب می‌کند .

گاهی قلم با جوهره‌اش اعجاز و گاهی نیز با جوهرش تاریخ را سیاه می‌کند و از آن جایی که انسان ذاتاً به دنبال کمال و دفع ضرر و تسکین آلام بشری می‌باشد ، شایسته است در تلاطم‌های زندگی در طلب رهایی ، سطح تعمق خود را وسعت بخشیده و درد را بشناسد و منشاء آن را از نگاه و زوایای مختلف بررسی نماید و در امتداد آن احتمال دهد که شاید خود منشاء درد بوده و برای یکبار هم که شده آن زخم کهنه را در وجود خود جستجو کند.

بازگشت به فطرت

بازگشت به خود ، نخستین راه دفع التهابات یک جامعه است و می‌توان گفت تمام ناهنجاری‌های بشریت از آنجا آغاز شد که آدمی از اصل و حقیقت

خویش غافل گشت و از معنویات و حصن حصین الهی فاصله گرفت و پس از آن با کوچکترین نسیم سرد شبانگاهی ، گلبرگ‌های وجودش ، نغمه خوان فصل خزان و محنت شده و از این رو خدای متعال برای در امان ماندن از آفات و بلیات ، پیامبران و امامان و فریاد رسانی را از جانب خویش برگزید تا بتوانند مردم را در پناهگاه الهی خویش جای داده و آنها را به سوی فطرت ، حقیقت و پاکی سوق دهند ، تا از اصل و اساس خویش غافل نگشته و تباهی و ظلمت را در حریم آسمانی خویش راه ندهند .

در روزگاری که همه مردم هر کدام به نوعی در سختی و تلخی‌های دنیایی خود غوطه ورنند و بلاها از هر طرف آنها را احاطه نموده و از هیچ کس کاری بر نمی‌آید و با یک ویروس فراگیر آن‌چنان دچار سرگردانی و ترس و حیرت می‌شوند که هیچ کس نمی‌تواند آنها را آرام و در پناه خود قرار دهد ، آن زمان است که فطرت پاک بشری در قلب خود یک غوث و یک منجی و یک فریادرسی را فریاد می‌زند تا بتواند خویشتن را از گرداب حوادث روزگار برهاند و سرشت پاک خویش را از دریچه موعود به سر منزل مقصود برساند .

حقیقتاً چه باید کرد و در وانفسای دوران تاریک دنیا به کدامین پناهگاه باید پناهنده شد ؟ ! به کجا کاسه گدایی خود را رو کنیم و به دامان چه کسی چنگ زنیم و در مشکلات و بلاهای همه گیر دست التجاء به کدامین خانه دراز کنیم تا آرامشی قلب ما و جهان خلقت را در بر بگیرد ؟ !

پاسخ این سؤال را در روایتی بسیار زیبا و دلنشین از هادی امت ، حضرت امام

علی النقی (علیه السلام) درمی یابیم تا بشریت بدانند نزدیکترین راه برای نجات از تلاطم های سخت و طاقت فرسای روزگار چیست و به کدامین سو قدم برداریم .

راه نجات

در زمان حضرت امام هادی (علیه السلام) ، یکی از شیعیان از شهری دور به ایشان نامه ای نوشت و از آن حضرت سؤالی پرسید که یابن رسول الله ! من از شما دور هستم و گاهی حاجات و مشکلات و سؤالاتی دارم ، چگونه با شما ارتباط برقرار کنم (و پناهنده به حصن حصینتان گردم) ؟ !

امام عطف و مهربانی ، حضرت هادی (علیه السلام) در جوابش نوشتند :

« إِنْ كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ فَحَرِّكْ شَفَتَيْكَ فَإِنَّ الْجَوَابَ يَأْتِيكَ » (۱)

هرگاه حاجتی داشتی کافی است ، لب ت را حرکت بدهی ! ، که جواب برای تو خواهد رسید . (ما از شما دور نیستیم) .

... و چه شیرین است برای ما ، پدری مهربان ، در همین نزدیکی ، که کافی است تا ، لب ت را تکان بدهی و با او سخن بگویی ! ، او از ما دور نیست ! .

وقتی کلام زیبای امام هادی (علیه السلام) را خواندم ، ناخودآگاه بغضی گلویم را فشرده و لب هایم به لرزه در آمد و زبان دلم مترنم به سخنی با امام زمانم شد که در این برهوت تنهایی ، در این سرگردانی و التهاب و وحشت روزگار و میدان داریِ بلایا ، دلمان تنها و تنها به نیمه نگاه شما خوش است ؛ و امید و پناهی جز شما برای ما نیست .

ص: ۴

مولای من! امام مهربان! فرمودند:

إِنْ كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ فَحَرِّكْ شَفِيئَكَ!

ای قامت رعناى محبت بر زمین، ای دلسوزتر از پدر و ای مهربانتر از مادر!

برکت از باران و نور از روشنایی رفته است، جهان تاریک است و عبور ثانیه های تردید؛ دل ها را بی تاب می کند، برای نجات ما بیا! بیا و پناه بغض های شکسته ما باش!

ما جز شما کسی را نداریم! غوث امت تویی! پناهگاه خلقت تویی! امید عترت تویی!

نامت را که می برم دلم چه قرص می شود! چنان کوه ها که ستون های زمینند، عمود سیاره سرگردان قلبم می شود. نامت را که می برم اقیانوس موج دلم چه آرام می شود!

تمام تردیدها که ته نشین می شوند، تصویر تماشایی مهتر در آن جلوه گر می شود.

مولای من! حال دنیا خوب نیست! گرفتاری و غم، ترس و اضطراب، ظلم و فساد... گلوی دنیا را می فشارد!!، چنان شانه... هایمان در زیر آوار فتنه های آخرالزمان سنگین شده که تاب سر بلند کردن نداریم. به فریادمان برسید که نفسهایمان به شماره افتاده اند.

آهسته می گویم که قلبت جریحه دار نشود! دلم، یک حالی است، انگار کسی روی یک زخم قدیمی نمک می پاشد و تا عمق جانم می سوزد. حرم ها خلوت شدند، صدای ندبه ای بین دیوارهای حیاط گوهرشاد نمی پیچد.

ص: ۵

خبری از ندای « آمدم ای شاه پناهم بده... » نیست . کربلا خلوت ، نجف خلوت ، مکه خلوت ! مدینه ...

دوباره این صحن ها شلوغ می شود . این روزها هیچوقت از خاطرمان پاک نمی شود . ولی مدینه آن کنج حیاطش که پشت
نرده های سبز زندان نیست . بهشت زمینی ما بود . که سالهاست خلوت است .

سلام بر خلوت نشین زمین ! . آقای بی قرینم ... ترحمی کن به ما !

کاش می فهمیدیم تمام مشکلات ما از نبودن شماس است .

خورشید من ! کی طلوع می کنی ؟

تنهایت گذاشتیم ... و در هیاهوی دنیا ، صدایت را گم کرده ایم . حالا که به تاوان این غفلت ، از زمین و زمان بلا می بارد ، به
دامان خودت پناه می آوریم .

حضرت پدر ! صدای فرزندان گنهکارت به آسمان نمی رسد ؛ پس خودت برایمان استغفار کن .

« يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا ، إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ » (۱)

دنیا تشنه منجی!

حال که در عصر تاریک غیبت امام زمان ارواحنفاده هستیم می بایست دل را در گرو آن پناهگاه عالم و امید قلب خاتم و تنها
کلید قفل غم ها نهاد و آرامش اضطرار و مرهم زخم های کهنه روزگار را تنها از او خواست .

اوست که قلب خسته را آرام می کند و استخوان شکسته را تسکین می بخشد .

ص: ۶

اوست که پناه همهٔ دردمندان و انیس دل شب زنده داران است!

اوست آن کس که خدا او را غوث و فریادرس امت نام نهاد و حتی مادر مظلومه و مجروح‌ه‌اش نیز در پشت در نیم سوخته، نام او را زمزمه می‌کرد و با یاد او آرام می‌گرفت!.

هر دل مضطرب که از هر جا قطع امید کرد، از درد و غمش به گوشه‌ای پناه برد تنها تکیه بر آستان با کرامت او می‌نهد و با اشک و هق هقی از روی عجز و ناامیدی دست بر سینه، با قامتی خمیده عرضه می‌دارد: سلام علی آل یاسین!.

خدا سوره‌ای دارد به نام اشک که آن را در دل‌های مضطر نازل می‌کند تا بارش رحمتش را بر کویر تفتیده جان‌ها فرود آورد.

قلبی که شکسته و از همه جا ناامید است دیگر مجال آن ندارد تا درب دیگری را بکوبد که حاصلش جز خاری و سبکی و شکستگی چیزی نیست.

ای گرفتار! ای ناامید! حال برخیز! فَحَرِّكْ شَفَتَيْكَ، آل یاسین بخوان! فَحَرِّكْ شَفَتَيْكَ، سلام الله الكامل را زمزمه کن!.

آرامش دل‌ها تنها با ساییدن جبهه و خاکساری بر آستان قدس مهدوی‌اش

حاصل می‌شود و در سختی‌ها و تلخی‌های روزگار، تنها امام زمان است که می‌تواند یاری‌مان کند و تنها اوست که در هر زمان و مکانی می‌توانیم صدایش کنیم و با او سخن بگوییم.

امامان معصوم علیهم السلام، پناهگاه عالم

ص: ۷

مهمترین نیاز بشریت نیاز به آرامش و مقام امن است و از این رو است که انسان همواره در پی تحصیل مقام امن ، دائماً در تلاش و کوشش می باشد .

در روایات متواتره ، اهل بیت عصمت و طهارت : به عنوان « کَهْف » معرفی شده اند .

واژه « کَهْف » به معنای پناهگاه ، بارها در متون روایی و در شأن اهل بیت : تکرار شده است .

امام جواد (علیه السلام) ، در زیارت پدر بزرگوارشان ، عالم آل محمد : حضرت امام رضا (علیه السلام) می فرماید : « اَلْسَّلَامُ عَلٰی كُهُوفِ الْكَائِنَاتِ وَ ظِلِّهَا »! (۱) سلام بر پناهگاه های هستی و سایه های آن !.

و در دعای روزانه ای که از امام سجاد (علیه السلام) نقل شده است ، اهل بیت : را چنین می خوانیم :

« اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ الْحَصِيْنِ وَ غِيَاثِ الْمُضْطَّرِّينَ » . (۲)

بار خدایا ! بر محمد و خاندانش ، دژ نگه دارنده [ی ما] و فریادرس گرفتاران ، درود فرست .

تبیین « پناهگاه جهان خلقت »

امام هادی (علیه السلام) در زیارت جامعه کبیره که به عنوان بهترین سند برای احیای فرهنگی شیعه و بهترین راه برای آشنا نمودن فطرت های تشنه با اهل بیت : می باشد ، حضرات معصومین : را به عنوان « کَهْفِ الْوَرَى » معرفی می کنند و این بدان معناست که « شما اهل بیت : ملجأ و پناهگاه همه ماوراء هستید » .

ص : ۸

۱- . بحار الأنوار ، ج ۱۰۲ ، ص ۵۳ ، ح ۱۱ .

۲- . مصباح المتهجد ، ص ۳۶۱ .

« کَهْف » به غار بسیار بزرگ در دل کوه را گویند که معمولاً در مکان‌های مرتفع ایجاد می‌شود و واژه « الوَری » ، به معنای آفریدگان و مخلوقات خداست .

ترکیب « کَهْف » و « الوَری » ، یعنی پناهگاه آفریدگان و عمومیت آن ، و تمامی موجودات را در برمی‌گیرد ؛ زیرا همه موجودات ، آفریدگان الهی‌اند و ضرورت « کَهْف الوَری » ، در همین نکته است که هر موجودی به گاه نیاز ، در جستجوی پناهگاهی است تا در سایه سار آن ، آرام گیرد و از گرما و سرما و دشمن و ترس و ... بَرَهَد ، و اگر در زمان نیاز ، پناهگاه را در نیابد ، بی‌تردید ، آفات و بلاها و ... ، او را از بین خواهند بُرد .

اگر امام هادی علیه السلام ، حضرات معصومین: را « کَهْف الوَری » خطاب می‌کنند به یقین قصد دارند تا بزرگترین پناهگاه و ملجاء جهان خلقت را معرفی نمایند .

به نظر می‌رسد که استفاده از « کَهْف » ، یعنی پناهگاه وسیع ، در برابر « غار » که شکافی خُرد در دل کوه است ، به همین منظور باشد ؛ یعنی امامان : ، همه آنانی را که در جستجوی مأمن هستند ، پناه می‌دهند و این پناهگاه ، تنها به این دنیا اختصاص ندارد ؛ بلکه در دین ، و در دنیا و آخرت ، پناه مردمان‌اند . فخر شیعه مرحوم علامه مجلسی (رحمه الله علیه) نیز در توضیح « کَهْف الوَری » می‌نویسد : **مَلْجَأُ الْخَلَائِقِ فِي الدِّينِ وَالْآخِرَةِ وَالدُّنْيَا** . (۱) پناهگاه آفریدگان ، در دین و آخرت و دنیا هستند .

اهل بیت علیهم السلام ، پناهگاه انبیاء الهی

ص: ۹

۱- بحار الأنوار ، ج ۱۰۲ ، ص ۱۳۶ .

همانطوری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و امیرالمؤمنین (علیه السلام) و فرزندان معصوم او : ملجاء و مرجع توسل جمیع انبیاء بوده‌اند ، جهان بشریت از آدم تا خاتم مأمور به توسل و پناهندگی به اهل بیت : بوده است .

از همان وقتی که آدم آفریده شد و - برای استعجابت دعا و رفع مشکلاتش - توسل به پنج تن و شفیع قرار دادن آنها در پیشگاه پروردگار بی همتا توسط جبرئیل به او آموخته شد ، تکلیف بنی آدم روشن گردید .

انسانی که در جهانی پر از شدائد و مشکلات قدم می نهد ، دنیایی که دائماً در آغوش امواج بلا و گرداب حوادث عظیمه است ، رحمت بیکران الهی ایجاب می کند که دستاویزهای محکم و عروه الوثقای ناگسستنی در اختیار این بشر سرگردان قرار دهد تا در مسیر ناهموار زندگانش ، امید گاهی خدایسند و پناهگاهی دور از گزند داشته باشد و با توسل و تمسک و چنگ زدن به ریسمان رحمت واسعه الهی ، فرزندان آدم نیز همانند حضرت آدم (علیه السلام) به ساحل نجات دست یابند .

پناهندگی به اهل بیت علیهم السلام در همه جا و همه حال و ...

در مشکلات دنیوی ، اهل بیت : ملجأ و پناهگاه جهان خلقتند و چه بسیار مردمان که در همین دنیا، به امامان: پناه برده‌اند و آنان را « کَهِفَ الْوَرَى » یافته‌اند .

از آن جایی که حیات و ممات پیامبران و اولیای خدا یکی است ، خدای متعال زیارت قبر امام معصوم (علیه السلام) و زیارت امام حی و غایب از نظر را یکی می داند و به همگان امر می کند که به مقام آنها پناهنده شوند .

گاهی پناهنده شدن به اهل بیت علیهم السلام: با مراجعه به خود امام معصوم در عصر حیات ظاهری‌شان است که در تاریخ بسیار از این نمونه‌ها ذکر شده است .

گاهی پناهنده شدن به امامان معصوم علیهم السلام : پس از شهادت ، مراجعه به قبر شریف آنهاست و گاهی با استغاثه از راه دور و درک حضور امام زمان در همه زمان‌ها و مکان‌هاست که آن هم گاهی با نوشتن عریضه و اقامه نمازهای استغاثه و دعاهای توسل به ساحت مقدس آن پناهگاهان عالم صورت می‌پذیرد و انسان در مانده و پریشان با زیارت ولی خدا ، به خدای متعال متصل ، و در حصن حصین الهی ، آرامش می‌گیرد .

پناهندگی غیر شیعیان به اهل بیت علیهم السلام

نه تنها شیعیان ، بلکه بزرگان اهل تسنن و سایر ادیان نیز ، متوسل به اهل بیت عصمت و طهارت : شده و به ایشان پناهنده می‌شوند ، که در این مجال اندک به چند نمونه بسنده می‌کنیم .

در میان رهبران مذاهب اهل تسنن ، شافعی بیش از دیگران ارادت قلبی خود را نسبت به خاندان اهل بیت : ابراز داشته است . وی ، خاندان پیامبر را ، وسیله نجات خود در درگاه الهی می‌داند و می‌گوید :

أَلُ النَّبِيِّ ذَرِيَعَتِي

وَهُمْ إِلَيَّ وَسِيلَتِي

أَرْجُو بِهِمْ أُعْطِيَ غَدَا

بِيدِي الْيَمِينِ صَحِيفَتِي

ص: ۱۱

خاندان پیامبر پناه من و واسطه من به سوی خدا و پیامبرند و امیدوارم که به واسطه آنها در فردای قیامت نامه اعمالم به دست راستم داده شود. (۱)

« ابن حبان » از بزرگان اهل تسنن نیز در کتاب « الثقات » از پناهنده شدنش به قبر مطهر امام رضا (علیه السلام) یاد می کند و می نویسد : من به دفعات قبر امام رضا علیه السلام را زیارت کرده ام . زمانی که در طوس بودم ، هر مشکلی برایم رخ می داد ، قبر علی بن موسی الرضا را - که درود خدا بر جدش و خودش باد - زیارت می کردم و برای برطرف شدن مشکلم دعا می ... کردم و دعایم مستجاب و مشکلم حل می شد . این کار را به دفعات تجربه کردم و جواب گرفتم . خداوند ما را بر محبت مصطفی و اهل بیتش - که درود خدا بر او اهل بیتش باد - بمیراند . (۲)

رهبر کاتولیک های جهان ، ژان پل دوّم نیز می گوید : من در پناه نام فاطمه ۳ ، از مرگ نجات یافته ام . (۳) و در واقع به نام مادر مظلومه شیعه پناهنده شد و نجات یافت .

ترس از آشکار شدن پناهگاه بودن اهل بیت علیهم السلام

« در جنگ جهانی اول (۱۹۱۶ میلادی) هنگامی که عده ای از سربازان انگلیسی در چند کیلومتری بیت المقدّس مشغول سنگرگیری و حمله بودند ، در دهکده کوچکی به نام « اونتره » یک نقره پیدا کردند که حاشیه اش به جواهرات گرانبها مرصع و در وسطش ، خطوطی به حروف طلایی نگارش

ص: ۱۲

۱- دیوان امام شافعی ، ص ۱۵۲ .

۲- الثقات لابن حبان ، ج ۸ ، ص ۴۵۷ ، چاپ دائرة المعارف العثمانیه .

۳- نهضت فاطمیه ، ج ۱ ، ص ۱۶۲ .

یافته بود و چون آن را نزد فرمانده خود، « میجر - ای - ان - گریندل » بردند، هر چه کوشید نتوانست از آن چیزی بفهمد، ولی دریافت که این نوشته به زبان و خطی بسیار قدیمی است و بالأخره این لوح، به وسیله وی دست به دست گردید تا به سرپرست ارتش بریتانیا « لیفتو نانت » و « گلدستون » رسید و ایشان

هم آن را به دست باستان‌شناسان بریتانیا سپردند. پس از پایان جنگ (۱۹۱۸ میلادی) درباره لوح مذکور به تحقیق و بررسی پرداختند و کمیته ای تشکیل دادند که اساتید شناخت زبان‌های باستانی بریتانیا، آمریکا، فرانسه، آلمان و سایر کشورهای اروپایی، عضو آن کمیته بودند. پس از چند ماه بررسی و تحقیق در سوم ژانویه ۱۹۲۰ میلادی معلوم شد که این لوح مقدسی است به نام « لوح سلیمانی » و سخنانی از حضرت سلیمان ۷ را در بر دارد که به الفاظ عبرانی قدیم، نگارش یافته است و ما ترجمه‌اش در اینجا می‌آوریم :

الله احمد ایلی باهتول

حاسن حاسین

یاه احمد ! مقذا = ای احمد ! به فریادم رس

یاه ایلی ! انصطاه = ای علی ! مرا مددی فرمای

یاه باهتول ! اکاشتی = ای بتول ! نظر مرحمت فرمای

یاه حاسن ! اضو مظع = ای حسن ! کرم فرمای

یاه حاسین ! بارفو = ای حسین ! خوشی بخش

امو سلیمان صوه عئخب زالهلاد اقتا =

این سلیمان اکنون به این پنج بزرگوار استغاثه می‌کند

بذات الله کم ایلی = و علی قدره الله است

ص: ۱۳

... چون این خبر به اسقف اعظم انگلستان (lord bishop) رسید ، فرمان محرمانه ای به کمیته نوشت که خلاصه‌اش این است :

اگر این لوح در موزه گذاشته شود و در دید مردم قرار گیرد ، اساس مسیحیت متزلزل خواهد شد و سرانجام خود مسیحیان ، جنازه مسیحیت را بر

دوش بلند نموده ، در قبر فراموشی دفن خواهند کرد . لذا بهتر آن است که لوح مذکور در رازخانه کلیسای انگلستان گذارده شود و جز اسقف و اهل سرّ ، کسی آن را نبیند .^(۱)

و آن به این معنا بود که پیامبران عظیم الشان همواره پناهنده به اهل بیت : بودند و « يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِمْ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ » .^(۲)

توضیحی شایسته

همگان می‌دانیم که پناهگاه اصلی و ذاتی ، خداوند جلّ اسمه است . امامان نور هم ، از آن رو که بندگان برگزیده ذات مقدّس ربوبی هستند ، تجلّی کهنه ربوبی هستند . بنابراین پناهندگی به آنان در حقیقت پناهندگی به ذات مقدّس ربوبی است ، چون آنها هم به اذن او پناه می‌دهند . اینجاست که آمیختگی توحید و ولایت معنا می‌یابد ، از یک سو در حدیث معروف سلسله الذهب می‌خوانیم : « کلمه لا اله الا الله حصنی ؛ کلمه توحید دژ من خداوند است »^(۳)

و از سوی دیگر

ص: ۱۴

۱- . اقتباسی از کتاب اتمام حجت ، ص ۱۸۳ .

۲- . صف / ۹ .

۳- . بحارالانوار ، ج ۴۹ ، ص ۱۲۱ .

می خوانیم: « ولایه علی بن ابی طالب حصنی؛ (۱)»

ولایت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) دژ محکم من است .»

امام حسین علیه السلام باب نجات امت

خدای تعالی وجود مقدس سیدالشهداء (علیه السلام) را رحمت قرار داده است . آن هم یک رحمت واسعه که با کوچکترین توجه به جانب سیدالشهداء (علیه السلام) این رحمت را شامل حال انسان می کند .

سید الشهداء « باب نجاه الامه » است . « باب » یعنی « در » است . یعنی راه نجات فقط از طریق امام حسین (علیه السلام) است . راه نجات توسل و زیارت و روضه خواندن و گریستن برای سیدالشهداء (علیه السلام) است .

باب نجات و رحمت واسعه الهی علاوه بر آخرت در این دنیا هم هست ؛ اما یک نظر دیگر در این جهت وجود دارد . « یا رحمه الله الواسعه » و « یا باب نجاه الامه » این فقط به آخرت منوط نیست ؛ بلکه باب نجات امت که تو هستی حتی در این دنیا هم این باب بودن برای نجات را داری . حتی در این دنیا هم باب رحمت هستی که مردم گشایش رحمت الهی را از ناحیه و از در خانه تو ببینند و شایسته است مؤمنین در بلایا و مشکلات به ساحت قدسی سیدالشهداء (علیه السلام) رجوع کنند و با برپایی جلسات روضه خوانی و توسلات ، دفع بلیه را از ساحت قدسی آن حضرت مسئلت نمایند .

ص: ۱۵

امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره پناهگاه بودن امام زمان ارواحناده فرمود :

«المهدی اوسعکم كهفا و اكثرکم علما» ؛ پناه دهندگی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از همه شما بیشتر و علم و دانشش فزونتر است. (۱)

پناهگاه امن در عصر غیبت

توجه به حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء ، بزرگترین مایه تحصیل امن و آرامش است و وقتی حضرت را در همه جا شاهد و ناظر بدانیم و «أشهد أنك تشهد مقامی تسمع کلامی تزد سلامی» را باور داشته باشیم همواره در حصن حصین امام زمانی... اش پناهنده خواهیم بود و از تمام بلیات محفوظ خواهیم ماند .

حضرت حجت بن الحسن (علیهما السلام) سبب و موجب همه این عوالم وجود است ؛ برای آنکه ابر و باد و مه و خورشید و فلک برای چرخیدن و گردش و حرکت ، باید غایتی داشته باشند ، غایت آنها آن است که برای انسان کامل و معصوم ، حرکت کنند ؛ نه برای انسانی ناقص ، خطاکار و عاصی و از این رو همه عالم به طفیلی وجود امام زمان ارواحنا له الفداء ، در قید حیاتند و مرزوقند و روزی می برند .

اینکه در دعای عدیله آمده است: « وَ بِيَمِينِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ ثُبَّتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ » ، مبتنی بر همین اصل است . چون حضرت حضور دارند جهان خلقت نیز هم مرزوق می شوند .

ص: ۱۶

شایسته است که ما بدانیم حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، لحظه به لحظه به ما توجه دارند و همه ما تحت مشاهده و توجه آن امام همام هستیم، چرا که خود فرمودند: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِيِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ (۱)؛ همانا، ما از رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم، در غیر این صورت سختی‌ها و گرفتاری‌ها بر شما فرو می‌آید و دشمنان شما را ریشه کن کرده و از بین می‌برند».

امام زمان غوث ائمت!

یکی از القاب خاصه حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) «غوث» می‌باشد که در زیارت معتبره وارد شده و معنی آن «فریاد رس» است.

«غوث» در لغت به معنای کمک و معونه است و از ایشان به «غوث الفقراء» نیز یاد شده است.

در زیارت آل یاسین از امام عصر ارواحنا فداه به «الغوث و الرّحمة الواسعة» تعبیر شده است.

در زیارتی دیگر از ایشان به عنوان «السلام علی مفرّج الكربات؛ سلام بر گشاینده سختی‌ها و دشواری‌ها» (۲) یاد شده است و حال بر همگان آشکار شده است که پناهگاه عالمیان در زمان ما کیست؟!.

ص: ۱۷

۱- احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۸۴.

از وظائف بزرگ ما توجه و توسل به حضرت بقیت الله ارواحنا فداه می باشد . مخصوصاً در هنگام سختی ها ، مشکلات شدید و بیماری های دشوار که بر انسان وارد می شود .

بنابراین در همه گرفتاری ها مخصوصاً زمانی که بیچارگی و اضطراب سراسر وجودمان را احاطه کرده ، باید به منتقم آل الله امام زمان صلوات الله علیه متوسل شویم و بدانیم همه گرفتاری ها و سختی هایی که به ما می رسد بر اثر غیبت آن حضرت است ، و ما موظف هستیم برای ظهور آن بزرگوار دعا کنیم .

حضرت امام باقرالعلوم (علیه السلام) نیز در روایتی در مورد ویژگی های امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنین می فرماید : « أَوْسَعُكُمْ كَهْفًا، وَأَكْثَرُكُمْ عِلْمًا، وَأَوْسَعُكُمْ رَحْمَةً(۱)؛

(حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) از همه شما بیشتر ، مردمان را پناه می دهد و از همه شما علمش افزونتر است ، و رحمت و لطفش از همه فراگیرتر است . »

دلباخته امام زمان ارواحنا فداه ، آیت الله شهید حاج سید محمد تقی موسوی اصفهانی ، صاحب کتاب گرانسنگ « مکمال المکارم » در جلد دوم این کتاب نورانی که به امر حضرت نگاشته شده ، می نویسد :

شایسته است در مواقع سختی و گرفتاری برای تعجیل فرج آن حضرت بسیار دعا کرد ، به جهت چند وجه :

... چهارم : این که دعا برای آن حضرت گونه ای از توسل به او است - که درود خداوند بر او باد - و آن بزرگوار وسیله نجات از سختی ها و بلایات می باشد.

ص: ۱۸

همچنین در کتاب « النجم الثاقب » باب دوم ، صفحه ۳۰ در وجه ملقب شدن آن حضرت به « غوث » سخن می گوید و در باب نهم ، صفحه ۱۵۲ رؤیایی را از رسول خدا ۶ نقل می کند که در آن وارد شده است که به هر یک از امامان باید درباره چه چیزی توسل نمود ، تا آنکه درباره حضرت حجت ارواحناده می فرماید : برای فریادرسی از گرفتاری ها باید متوسل شد ، و باید گفت :

« يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ اَعْتِنِي ، يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ اُدْرِ كُنِي ! » و یا بگوید : « يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ، اَنَا مُسْتَعِيْثُ بِكَ ! »

گفتاری حکیمانه در پناهنده شدن به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

دلباخته امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، فقیه بزرگوار و محدث عالی مقدار ، مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی (رحمه الله علیه) که تمام حرکات و سکناتشان در پی رضایت و تبلیغ نام و یاد امام زمان ارواحناده بود و شهر اقلید فارس را به نام اقلید امام زمان ارواحناده مزین فرمود ، بر این باور بود که صرف اینکه انسان به یاد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و متوسل به اوست و در هر صبح و شام او را زیارت میکند کافی نیست ، بلکه تکلیف دیگری هست و میبایست سعی کرد تا جامعه را ، جامعه امام زمانی قرار داد و مردم را متوجه به آن پناهگاه جهان خلقت کرد ، که در همه حال در حصن حصین مهدوی اش قرار گیرند .

این عالم ربانی در هر فرصت متناسب ، از امام عصر ارواحناده سخن به میان می آورد و همه فعالیت های علمی و اجتماعی و ارشادی خود را در راستای تعظیم و تکریم آن حضرت و آشناسازی جامعه با نام و یاد و عظمت آن بزرگوار قرار می داد و مردم را نسبت به اصل وجود آن حضرت و عظمت و جلال و جمال او آگاه می ساخت .

او که وقتی نام مولایش را بر زبان جاری میکرد ، اشک از چشمانش سرازیر می شد ، دستور توسل به آن حضرت را به مردم می آموخت و آنها را نسبت به آن امام همام امیدوار میکرد . همچنین در دوران مبارزه با بهائیت در آباءه و اقلید و ... شبها را در مورد وجود آن حضرت برطرف مینمود و در مورد طول عمر آن حضرت و غیبت و فواید وجودی او ، در عین اینکه در

پرده

غیبت است ، سخن میگفت و ابهامات را بر طرف مینمود تا همه افراد شیعه نسبت به امام ، آگاهی پیدا کرده و مبلغ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شوند .

آن بزرگمرد معتقد بود که در این راه یک بسیج عمومی لازم است که همه اهل سخن و قلم یکصدا شوند ، همنوا شوند و به مردم بفهمانند که ما بیصاحب نیستیم ، تا جامعه ، یکپارچه جامعه امام زمانی شود ، ایشان اصرار داشتند که نباید یک روحانی و واعظ در ایام ولادت آن حضرت به چند جمله یا داستان اکتفا نماید ، بلکه باید کاری کند که زن و مرد شیعه دائم به فکر امامشان بوده و مبلغ او باشند و در هر حادثه قبل از هر کسی به یاد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیفتند و از او کمک بخواهند . نه آنکه پس از آنکه نزد همه اطباء رفته و تمام اموالشان را در این راه تباه کردند . و پاسخ منفی و مأیوس کننده شنیدند ، تازه به یاد مسجد جمکران و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیفتند .

ص: ۲۰

برای در امان ماندن شیعیان سامرا از وبا

عالم متقی ، مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری از قول پدر بزرگوارشان نقل می کردند : با مرحوم میرزا علی آقا شیرازی ، درس خصوصی نزد مرحوم آقای میرزا محمدتقی شیرازی می خواندیم ، محل درس در بالا خانه ای بود ، مرحوم استاد سیدمحمد فشارکی که از پایین صدای دوست یعنی میرزا محمدتقی را شنید ، بالا آمد و این جریان در موقعی بود که بیماری وبا در سامرا آمده بود ، سیدمحمد فشارکی به مرحوم میرزا رو کرد و گفت : آقای میرزا من را مجتهد می دانی ؟ ایشان گفتند : آری ! شما را مجتهد می دانیم ، دوباره گفتند : من را عادل می دانی ؟ گفتند : بلی ! شما را عادل می دانیم ، دفعه سوم گفتند : حکم مجتهد عادل را نافذ می دانی ؟

گفتند : اطلاق آن ، محل منع است ، ایشان گفتند : من حکم کردم بر تمام رجال و نساء از شیعه سامرا که زیارت عاشورا بخوانند و ثواب آن را هدیه کنند به روح جناب نرجس خاتون سلام الله علیها والده ماجده حضرت حجت ارواحنا فداه و آن را شفیع کنند نزد فرزندش حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که ایشان شفاعت کنند عندالله و من ضامن می شوم که هر کسی این عمل را انجام دهد مبتلا به بیماری وبا نشود.

این حکم منتشر شد و همه عمل کردند و از شیعه هیچ کس مبتلا به بیماری وبا نشد و به قدری مطلب روشن بود که ستیان ، مردگان خود را شب دفن می کردند و می آمدند حرم امام هادی و حضرت عسکری علیهما السلام می گفتند : انا نسلم علیک مثل ما یسلم علیک الشیعه. (۱)

ص: ۲۱

زیارت، پنجره‌ای به سوی پناهگاه

آدمی همواره با تجاوز از مسیر بندگی و انجام معصیت، اسباب دوری از فطرت پاک خود را فراهم نموده و مجرای اتصال خویشتن را با خدای متعال قطع و خود را از فیض آرامش و طمأنینه الهی محروم می‌سازد، از این رو خدای متعال باب زیارت اولیای خدا را بر بندگان خود گشود تا مردم بتوانند از مجرای زیارت ولی خدا، به فیض اتصال به ذات پاک ربوبی نائل گردند و به فطرت پاک و زلال خویش واقف شوند و از آن باب، خود را در یک پناهگاه امن و مستحکم قرار داده تا از بلیات دنیوی و اخروی نجات دهند.

زیارت مفهومی است که میان تمام مسلمانان و فرق اسلامی، مطرح و مورد تأیید است و علاوه بر نصوص و ادله روایی که در این رابطه وجود دارد، پشتوانه عقلی و فطری نیز دارد.

گاهی زیارت از نزدیک و در کنار قبر مطهر معصوم (علیه السلام) و گاهی زیارت مانند زیارت پیامبر ۶ و امامان: و نیز حضرت زهرا سلام الله علیها از راه دور نیز مستحب است، چنان که پس از زیارت امام حسین (علیه السلام)، زیارت جناب علی اکبر و حضرت عباس (علیهما السلام) و دیگر شهدای کربلا نیز از راه دور استحباب دارد. در زیارت از راه دور نیز غسل زیارت کردن و پوشیدن لباس پاک و پاکیزه و نیز زیارت کردن در زیر آسمان، مانند پشت بام یا بیابان، به زیارت مأثور و خواندن نماز زیارت قبل از آن استحباب دارد، در همه این حالات جان کلام این است که از «باب السلام زیارت» خود را به پناهگاه‌های جهان خلقت متصل می‌کنیم و از یمن عنایات صاحب آن مضجع نورانی، خیر دنیا و آخرت را نصیب خود می‌کنیم.

قبور مطهر امامزادگان عظیم الشان شعبه‌ای از ...

امامزادگان عظیم الشان نیز مراکز نور و شعبه های حرم های اهل بیت: هستند که هر یک از آن بزرگواران در جای جای این کره خاکی، ستارگان درخشانی هستند که با قدم مبارک خود به آن سرزمین، دانش نبوی، صولت حیدری، عصمت فاطمی را به عنوان تحفه ای گران بها به همراه آوردند و ضمن رسانیدن پیام مظلومیت و مهجوریت قرآن و عترت با به ودیعه گزاردن ذراری خویش پیدایش شاخه هایی از شجره طیبه کوثر رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و زهرای بتول سلام الله علیها را سبب شدند.

تشرّف آیت الله نمازی به محضر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و فریادرسی آن حضرت

آیت الله شیخ اسماعیل نمازی شاهرودی از سلسله سعادت‌مندان و زمره نیکبختانی است که در سفر بیت الله الحرام پس از حادثه ای هولناک به همراه جمعی از حاجیان و زائران خانه خدا، موفق به دیدار جمال دلربای حضرت بقیت الله الاعظم ارواحنا فداه می شود که خود این جریان را چنین نقل می کند.

من برای چهاردهمین مرتبه بود که به بیت الله الحرام مشرف می شدم و به عنوان روحانی کاروان خدمت می کردم. آن سال در راه بازگشت به عراق به خاطر مسائلی، عربستان قوانینی برای ماشین های حجّاج وضع کرده بود و آن این که ماشین های زائران خانه خدا باید در یک کاروان صدتایی و همراه هم حرکت کنند. هر کاروان یک سرپرست داشت و یک ماشین هم، لوازم یدکی و ملزومات دیگر را همراه کاروان حمل می کرد. ضمناً دو ماشین پلیس، یکی در جلو و دیگری در عقب کاروان وظیفه حفاظت از قافله را بر

عهده داشت ماشین ما دو راننده به نام های محمود آقا و اصغر آقا داشت که هر دو بیچه تهران بودند. هنگامی که کاروان به راه افتاد اصغر آقا رانندگی می کرد. از قضا ماشین ما در آخر صف، پشت سر همه ماشین ها قرار گرفت و این موضوع اصغر آقا را خیلی ناراحت کرد و شروع کرد به غر و لُند کردن و این که در حرکت از تهران ماشین آخری بودیم، در برگشتن هم آخری شدیم و باید تا آخر مسیر خاک بخوریم. من باید از صف ماشین ها خارج شوم و می روم در جلوی ماشین های دیگر قرار می گیرم.

گم شدن در بیابان

اصغر آقا در نظر داشت که از صف ماشین ها جدا شده، پس از پیمودن مسافتی دوباره به کاروان ملحق شود و در جلوی کاروان قرار گیرد اما او نادانسته ماشین را منحرف کرد و از کاروان جدا شد. من به خاطر سفرهای متمادی می دانستم که بیابان های عربستان بی سروته و بی انتهاست. لذا او را خیلی نصیحت کرده و اصرار نمودم که از قافله جدا نشود و طبق ترتیب کاروان حرکت کند اما او گوش نکرد. حاجیان دیگر هم سکوت کردند و با من همراهی نکردند.

اصغر آقا تصمیم خود را گرفت و گفت: به اندازه کافی آب و بنزین داریم و می توانیم از یک راه فرعی خود را به جلوی کاروان برسانیم. او از کاروان جدا شد و در بیابان به راه افتاد و پس از طی مسافتی طولانی راه را گم کرد و نتوانست خود را به کاروان برساند. کم کم شب هم فرا رسید. ما با داد و فریاد از او خواستیم که ماشین را متوقف کند تا نماز بخوانیم. وقتی از ماشین پیاده شدم؛ به آسمان نگاه کردم و دیدم که فاصله ما با هفت برادران

(هفت اورنگ) زیاد شده ، فهمیدم که راه زیادی را به اشتباه آمده ایم به همین خاطر به راننده گفتم : امشب را همین جا بیتوته می کنیم و فردا صبح از همان راهی که آمده ایم ، باز می گردیم .

فردا صبح سوار شدیم تا از همان راه دیروزی برگردیم اما از آن جا که صحراهای حجاز دارای شن های نرم است و باد آن ها را پیوسته حرکت می دهد ، نتوانستیم راه بازگشت را پیدا کنیم . هیچ اثری از راه دیشب بر سینه صحرا نبود از آن طرف ، ماشین هم مرتب در شن ها فرو می رفت ، جهت های متعددی را چند فرسخ ، چند فرسخ پیمودیم و سرانجام ره به جایی نبردیم و دوباره شب فرا رسید.

فردا صبح روز سوم ، آب و بنزین هم تمام شد.

همه وحشت زده و ناامید شده بودیم . من به عنوان روحانی کاروان و کسی که سفرهای زیادی به خانه خدا آمده بودم گفتم : «این اصغر آقا بود که ما را به اینجا کشانید و گناه بزرگی را انجام داد . اما چاره ای هم نیست ، بیایید همگی به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) متوسل شویم . اگر آن بزرگوار ما را از این بیابان هلاکت نجات بخشید ، زهی سعادت و خوشبختی ، اما اگر به فریاد ما نرسد همگی در این بیابان مُرده ، طعمه حیوانات خواهیم شد . بیایید قبل از آن که بی حال شده و دست و پایمان بی رمق بیفتد ، هر کس برای خود گودالی حفر کند و در آن گودال برود که اگر مرگ به سراغ ما آمد ، در آن گودال ها جان بدهیم و حداقل بدن ما طعمه حیوانات نشود و با گذشت زمان ، باد وزیده و شن ها را روی ما بریزد و در زیر شن ها مدفون شویم.

همه مشغول شدند و هر یک برای خود قبری کند و در این حال به حاجیان گفتم: جلوی قبر خود بنشینند تا به چهارده معصوم : توسّلی بجوییم و خودم شروع به خواندن دعای توسّل کردم . ابتدا به رسول خدا ۶ بعد به حضرت زهرا ۳ و سپس به سایر امامان : وقتی به امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیدم ، روضه ای خواندم و گریه زیادی کردیم . در این حال الهام شدم که همه با هم « آقا » را با این ذکر بخوانیم :

یا فارس الحجاز ادرکنا ، یا اباصالح المهدی ادرکنا ،

یا صاحب الزمان ادرکنا

همه با حال ناامیدی و گریه و زاری این ذکر شریف را تکرار می کردیم و آقا را صدا می زدیم . به حاجیان گفتم : « با خدا قرار بگذارید که اگر نجات یافتیم همه اموالی که به همراه داریم در راه خدا انفاق کنیم ، با خدا عهد ببندیم که اگر نیازمندی به ما مراجعه کرد در حقّ او کوتاهی نکنیم و بقیه عمرمان را در برآوردن نیازهای مردم کوشا و ساعی باشیم » .

بعد از توسّل و توجّه ، هر کسی مشغول راز و نیاز با خدای خود شده ، من هم از جمع ، جدا شدم و پشتِ تپه کوچکی رفتم و با خدای خود سخنانی گفتم که بماند . به امام زمان عرضه داشتم : « آقا جان ! اگر الان به فریاد ما نرسی ، پس کی و کجا به فریادمان خواهی رسید » . گریه و توسّل عجیبی

داشتم که قابل توصیف نیست . در مدّت عمرم چنین حالت شیرینی چه قبل و چه بعد از آن حادثه ، دیگر در من پیدا نشد .

در حال توّسل و تضرّع بودم که ناگهان آقایی در شکل و شمایل یک مرد عرب ، به همراه هفت شتر که بارهایی بر آنان بود ، در برابرم ظاهر شد . با آن که بیابان صاف و همواری در مقابل من بود و همه چیز از مسافت دور قابل رؤیت و دیدن بود ، اما من آمدن او را ندیدم و متوجّه نشدم . خیال کردم از عرب های حجاز است و احیاناً شتربانی است که همراه شترهایش به مسافرت می رود و یا شاید رهگذری است که تصادفاً از این بیابان عبور می کرده است . با دیدن او به حدّی خوشحال شدم که از شادی در پوست خود نمی گنجیدم . با دیدن او خود را در « جریه » که مرز میان عربستان و عراق بود می دیدم . با خود گفتم : این آقا حتماً راه رسیدن به « جریه » را می داند و ما را راهنمایی خواهد کرد.

در حال بشاشت و شادمانی بودم که دیدم آن آقا به طرف من آمد ، من هم از جا برخاستم و با خوشحالی به طرف او رفتم و به او سلام کردم . در پاسخ فرمود : « علیکم السلام و رحمہ اللہ و برکاتہ » . به هم که رسیدیم روبوسی کرده ، من صورت او را بوسیدم . شمایل او در اوج زیبایی و جدّابیت بود ، و چشم و ابرو و صورت بسیار زیبا و نورانی داشتند . پس از سلام و روبوسی به زبان عربی فرمودند : « ضیعتم الطریق ؛ راه را گم کرده اید ؟ »

گفتم : بله .

فرمودند : من آمده ام که راه را به شما نشان دهم .

عرض کردم : خیلی ممنون .

ص : ۲۷

بعد فرمودند: از این راه مستقیم بروید و از میان آن دو کوه بگذرید، به دو کوه دیگر می رسید، از میان آن ها هم بگذرید، جاده برای شما نمایان می شود بعد طرف چپ را بگیرید تا به «جریه» برسید.

آقا پس از نشان دادن راه فرمودند: «الندور الذی نذرتم لیس بصحیح؛ نذرهایی که کرده اید، صحیح نیست».

عرض کردم: چرا، آقای من؟

فرمودند: «نذر شما مرجوح است، اگر همه دارایی خود را در راه خدا انفاق کنید چگونه به عراق می روید؟ در حالی که شما چهل روز در عراق می باشید و به زیارت امام حسین ۷ و امیرمؤمنان ۷ و سایر امامان: مشرف می شوید، اگر آن چه راه همراه دارید، در راه خدا انفاق کنید، در مسیر، بدون خرجی می مانید و مجبور به تکدی و گدایی می شوید و تکدی هم حرام است. آن چه را از مال و دارایی به همراه دارید، الآن قیمت کرده و بنویسید و وقتی به وطن خودتان رسیدید به اندازه آن در راه خدا انفاق کنید، اکنون عمل به نذرتان مرجوح است».

سپس فرمود: «رفقای را صدا کن و فوراً سوار شوید، الآن که به راه بیفتید اول مغرب در جریه هستید».

دوستان ما هنوز در حال گریه و انابه و توسل و تضرع بودند و ما را نمی دیدند، اما ما آنان را می دیدیم. وقتی آن ها را صدا کردم، با دیدن ما یک باره از جا

برخاستند و با خوشحالی به طرف ما آمدند. یکی یکی سلام کرده، دست آقا را بوسیدند. آن گاه حضرت فرمودند: «سوار شوید و از همین راه بروید».

به دوستان گفتم: « آقا راه را به من نشان دادند، سوار شوید تا برویم » .

یکی از حاجیان به نام « حاج محمد شاه حسینی » به من گفت: « حاج آقا! اگر راه بیفتیم ممکن است ماشین دوباره در شن ها فرو رود یا این که مجدداً راه را گم کنیم . بیایید پول های نذر شده را همین الان به این مرد عرب به مقداری که می خواهد بدهیم، تا زحمت کشیده تا رسیدن به مقصد ما را همراهی کند » .

آقا وقتی سخن حاجی مذکور را شنیدند، فرمودند: « [شیخ اسماعیل] جلوی من به همه آن ها بگو که نذر آن ها صحیح نیست » . من هم به حاج محمد و سایر حجاج گفتم: « آقا می فرمایند نذر شما مرجوح است و صحیح نمی باشد، اگر همه دارایی و اموال تان را الان در راه خدا بدهید با کدام پول می خواهید به عراق بروید و از آن جا به ایران برگردید؟ در عراق مجبور به تکدی و گدایی می شوید و گدایی هم حرام است » .

آن آقا همچنین فرمودند: « من می دانم پولی که همراه دارید برای شما در سفر کافی است و گرنه خودم به شما پول می دادم » .

ما دیدیم نمی توانیم آقا را با پرداخت پول با خود همراه کنیم، یک باره به قلبم الهام شد که آقا اهل حجاز هستند و اهل حجاز در سوگند به قرآن و احترام به آن خیلی عقیده مند می باشند به همین خاطر قرآن کوچکی که در جیب بغلم بود بیرون آورده و ایشان را به قرآن سوگند دادم .

آقا فرمودند: « چرا به قرآن قسم می خوری؟ به قرآن قسم نخور! باشد حالا- که مرا به قرآن قسم دادی می آیم » . سپس فرمودند: « علی اصغر مقصر است (که باعث گم شدن شما شد)، اکنون محمود رانندگی کند من هم

وسط (صندلی کنار راننده) می نشینم و شما (شیخ اسماعیل) هم کنار من بنشین به رفقا هم بگو زودتر سوار شوند . «

به محمود آقا گفتم : تو رانندگی کن . آقا شترهایشان را همان جا خوابانیدند و خودشان کنار راننده نشستند و من هم کنار ایشان نشستم .

حاج محمود پشت فرمان نشست ، آقا به من فرمودند : « بگو ماشین را روشن کند » . در این حال هیچ یک از مسافران و راننده ها به نداشتن بنزین و آب توجهی نداشتند . حاج محمود استارت زد ، ماشین روشن شد و به راه افتاد . در این لحظه دیدم آقا ، انگشت سبابه شان را حرکت دادند اما من از رمز و راز آن آگاه نبودم .

ماشین بدون این که در شن ها فرو رود ، به سرعت راه خود را می پیمود . وقتی از میان آن دو کوه گذشتیم همان طور که آقا فرموده بودند دو کوه دیگر ظاهر شد . آقا فرمودند : « بگو از میان این دو کوه حرکت کند » . من به حاج محمود آقا گفتم : از وسط دو کوه حرکت کن .

آقا با این که اصلاً فارسی سخن نگفتند و تنها با من به عربی صحبت می کردند اما نام من و سایر زوّار و حجاج و راننده ها را می دانستند و همه را به اسم ، نام می بردند و سخنان فارسی ما را متوجه شده ، پاسخ می گفتند .

وقتی به وسط دو کوه رسیدیم ، حضرت به آسمان نگاهی کرده ، فرمودند : « الآن اول ظهر است . به راننده بگو بایستد . همه پایین بیایید و نماز خود را بخوانید . من هم نماز خود را بخوانم ، رفقا بعد از نماز سوار شده و ناهار را هم در ماشین بخورند تا اول مغرب ان شاء الله به جریه برسیم » .

من سخنان آقا را به حاج محمود گفتم ، ایشان هم ماشین را نگه داشت . وقتی دوستان پیاده شدند آقا فرمودند : « آب که ندارید ؟ » عرض کردم : خیر ، آبی نداریم . حضرت در این هنگام درختچه خاری را که به ضخامت یک عصا بود به من نشان دادند و فرمودند : « آن درخت را که می بینی ، کنار آن چاهی است بروید ، آب بنوشید ، وضو بگیرید و نماز بخوانید ، مشک ها را هم پُر کرده ، ماشین تان را هم آب کنید . من همین جا نماز می خوانم ، من وضو دارم » .

وقتی به آن درختچه رسیدیم ، چاهی دیدیم که آبی زلال و گوارا داشت و حدود یک وجب یا کمی بیشتر از سطح زمین پایین تر بود . به راحتی دستان به آب می رسید و می توانستیم از آن آب نوشیده و وضو بگیریم .

خلاصه بعد از انجام کارها و خواندن نماز ، آقا هم که نمازشان به پایان رسیده بود ، تشریف آوردند و فرمودند : « همه ناهارشان را داخل ماشین بخورند » بعد از این که ماشین به راه افتاد ، من مقداری آجیل و خوراکی برداشته ، به حضرت تعارف کردم اما ایشان چیزی برنداشتند و فرمودند : « نمی خواهم » . مقداری نان که خودم در « شاهرود » از گندم خوب و تمیز درست کرده بودم ، به ایشان تعارف کردم که حضرت مقداری برداشتند اما ندیدم که بخورند .

آن گاه حضرت از بعضی از شهرهای ایران مانند همدان ، کرمانشاه ، مشهد تعریف کردند و از بعضی از علما مانند « ملا علی همدانی » تمجید نمودند . و درباره حضرت « آیت الله وحید خراسانی » - حفظه الله - که در آن زمان به شیخ حسین خراسانی معروف بودند ، توجهی نموده ، فرمودند : « برکات و عنایات ما به ایشان می رسد » . آن گاه مقداری هم به من امیدواری داده ، فرمودند : « ... شما

ان شاء الله وضعتان خوب خواهد شد . و درباره ناراحتی هایی که داشتم ، دلداری دادند ، بحمدالله ، آن گرفتاری ها برطرف شد .

در طی مسیر درباره بعضی از علما ، صحبت هایی به میان آمد - آقا از بعضی از مراجع مثل « آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی » و دیگر آقایان تعریف و تمجید کردند .

ایران از برکات اهل بیت علیهم السلام برخوردار است

حضرت در پاسخ بعضی از مسائلی که خدمتشان عرض می کردم ، می فرمودند : « همه این ها از برکات ما اهل بیت : است » . در این حین عرضه داشتم : « در جاده های ایران ، چند فرسخ به چند فرسخ ، قهوه خانه ، آب ، روشنایی و میوه است . اما این جا هیچ چیز نیست . »

حضرت فرمودند : « در همه جای ایران ، نعمت وافر و فراوان است و همه آن ها از برکات ما اهل بیت : است » و من غافل از همه جا و همه چیز ، اصلاً متوجه مقصود آن حضرت نبودم . ماشین همچنان راه خود را با قدرت می پیمود تا این که اول مغرب - همان طور که آقا فرموده بودند - به « جریه » در مرز میان عراق و عربستان رسیدیم . در این هنگام آقا فرمودند : « من دیگر

می روم . از این جا به بعد راه را به تنهایی نروید . امشب را در جریه بمانید ، فردا یک قافله صدتایی از مکه می آید ، شما با آن قافله همراه شوید . »

عرض کردم

: چشم ! امشب همین جا می مانیم . شما هم نزد ما بمانید و میهمان ما باشید .

حضرت فرمودند : « شیخ اسماعیل ! من کار زیادی دارم ، تو مرا به قرآن قسم دادی ، من هم اجابت کردم . من باید بروم و شما را به خدا می سپارم و دوباره تکرار می کنم . آن ندی که کردید ، صحیح نیست . شما مراقب باشید که این ها دارایی شان را به

ص: ۳۲

کسی نبخشند همان طور که قبلاً گفتیم اموالتان را حساب کنید و بنویسید ، بعد در وطن خودتان به اندازه آن انفاق کنید .»

ما حدود سه ساعت به ظهر مانده همراه آقا سوار ماشین شدیم و تا مغرب خدمت ایشان بودیم . امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پیوسته مشغول ذکر بودند ، اما من متوجه نبودم که چه ذکری را می گویند . شالی به کمرشان بسته بودند و به هیئت اعراب حجاز شمشیری بزرگ در طرف راست و شمشیر کوچکی در طرف چپ خود آویخته بودند و چیزی مانند باشماق (نوعی سرپوش) که عرب ها بر سرشان می اندازند ، به سر مبارک انداخته بودند اما پیشانی نورانی و ابروهای کمند و چشمان جذّاب شان کاملاً دیده می شد و خیلی خوش اخلاق بودند . در این هنگام من برای انجام کاری از ایشان اجازه خواستم . ایشان چند قدمی همراهی کردند و همین طور که مشغول صحبت بودم دیگر آقا را ندیدم ، تازه فهمیدم که چه بر سرمان آمده است.

رفقا را صدا زدم ؛ حاج عبدالله ! حاج محمد ! کور باطن ها ! از صبح تا حالا خدمت آقا بودیم اما او را نشناختیم با گفتن این سخن و فهمیدن موضوع همه شروع به گریه کردند . صدای گریه حجاج بلند شد . بر اثر گریه زیاد و سر و صدا ، چند تا از شرطه ها و

پلیس ها با عجله در خیمه ای که برپا کرده بودیم آمدند و گفتند : « کی مرده ؟ » آنان خیال می کردند کسی از گروه ما مُرده است و ما برای او گریه و زاری می کنیم.

من گفتم : « کسی نمرده ، ما راه را گم کرده بودیم ، حالا که راه را پیدا کرده ایم ، گریه می کنیم »

یکی از آنان گفت : « خدا را شکر کنید که راه را پیدا کردید ، این که گریه ندارد » . در این حال که ما با شرطه ها مشغول صحبت بودیم ، صدای اذان بلند شد و مغرب شده بود . به راننده ها گفتم : « اسم شما را از کجا می دانست ؟ اصغر آقا اسم تو را از کجا می دانست که

فرمود: « اصغر آقا مقصّر است » اصغر آقا بنا کرد به سر زدن و گریه کردن و گفت: راست گفتید. تقصیر من بود، من سبب گم شدن شما شدم. گفتم: الحمدلله، عاقبتش به خیر شد، تو ما را گم کردی، اما الحمدلله به نعمت ملاقات مولایمان رسیدیم. (۱)

زیارت آل یاسین و سلام الله الكامل

زیارت آل یاسین و سلام الله الكامل از زیارت‌های مشهور و دعا‌های ویژه‌ای است که همواره بسیاری از مؤمنان و مشتاقان و منتظران ظهور حضرت بقیت الله الاعظم ارواحنا فداه آن را قرائت می‌کنند و در شدائد و سختی‌ها شعار خود قرار داده، و در مناسبت‌ها و فرصت‌های معین، گاه و بی‌گاه با خواندن آن با امام زمانشان ارتباط روحی برقرار می‌کنند و با حضرتش تجدید عهد و پیمان می‌نمایند. خصوصاً در

هنگام اضطرار و ناامیدی، با جان و دل به سوی ولیّ خدا روی می‌آورند و با این دعا و زیارت از بزرگترین پناهگاه جهان خلقت، حضرت حجة بن الحسن العسکری ارواحنا فداه یاری می‌طلبند. و هم اکنون متن زیارت « آل یس » و نیز دستور نماز استغاثه به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و زیارت « سلام الله الكامل التام » را در اختیار متوسلین به آن حضرت قرار می‌دهیم، باشد که جامعه شیعیان و دل‌بستگان اهل‌البیت: و بالاخص حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف بهره‌مند شوند.

ص: ۳۴

۱- و نیز شهرت فراوان و اعتبار ویژه‌ای در میان علما و بزرگان برخوردار است و بارها در مراکز علمی و محافل امام‌زمانی مطرح گشته و سوز و گداز و شور و حال ویژه‌ای در آن مجالس هویدا و رائج امید در جامعه به وجود آورده است. باقی اصفهانی، محمدرضا، مجالس حضرت مهدی ۴، ص ۳۰۸ و این داستان تشریف در دانشنامه حوزه، بخش سیره علما و بزرگان؛ ماهنامه تخصصی موعود و منابع متعدد دیگر نیز نقل گردیده است.

مرحوم محدث قمی در « مفاتیح الجنان » چنین فرموده است : و زیارت کن آن حضرت را به آنچه خود دستور العمل داده‌اند چنانچه شیخ جلیل احمد بن ابی طالب طبرسی ۱ در کتاب شریف احتجاج روایت کرده که از ناحیه مقدسه بیرون آمد به سوی محمد حمیری بعد از جواب از مسائلی که از آن حضرت سؤال کرده بود :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ

به نام خداوند بخشنده مهربان ، نه فرمانش را تعقل می کنید و نه از اولیایش می پذیرید ،

حِكْمَهُ بِالْعَهِّ فَمَا تُغْنِي النُّذْرُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ

حکمتی است رسا، ولی بیم دادن ها سودشان ندهد، سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا.

هرگاه خواستید توجه کنید به وسیله ما به سوی خداوند تبارک و تعالی و به سوی ما پس بگوید چنانکه خدای تعالی فرموده :

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ

سلام بر خاندان یس ، سلام بر تو ای دعوت کننده به سوی خدا و آگاه به آیاتش ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّهَ اللَّهِ

سلام بر تو ای خلیفه خدا و یاور حقش ، سلام بر تو ای حجت خدا

وَ دَلِيلَ إِرَادَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ

و راهنما به سوی اراده اش ، سلام بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و تفسیر کننده اش ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَ أَطْرَافِ نَهَارِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو در تمام ساعات شب و روز ، سلام بر تو

يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ

ای بجا مانده خدا در زمینش ، سلام بر تو ای پیمان خدا که آن را برگرفت و محکمش کرد ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ سلام

بر تو ای وعده خدا که آن را ضمانت نمود، سلام بر تو ای پرچم برافراشته

الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَضْبُوبُ وَالْعَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعَدَا غَيْرُ مَكْذُوبٍ

و دانش سرریز و فریادرس و رحمت گسترده و وعده بی دروغ ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ السَّلَامُ

سلام بر تو هنگامی که بر می خیزی ، سلام بر تو زمانی که می نشینی ، سلام بر تو

عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَ تُبَيِّنُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَ تَقْنُتُ وَ قَتِي

که می خوانی و بیان می کنی ، سلام بر تو هنگامی که نماز می خوانی و قنوت بجا می آوری ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَ تَسْجُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَ تُكَبِّرُ

سلام بر تو زمانی که رکوع و سجود می نمایی ، سلام بر تو وقتی که تهلیل و تکبیر می گویی

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَ تَسْتَغْفِرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ سَلَامَ بِرِ تَوْ هِنْكَامِي كِه سِپَاس وَ اسْتِغْفَارِ مِي نِمَايِي ؛ سَلَامِ بِرِ تَوْ زِمَانِي
که

تُصْبِحُ وَ تُمَسِي السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَعُشَى وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى

صبح و شام می کنی ، سلام بر تو در شب هنگامی که می پوشاند و در روز وقتی که آشکار می شود ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ

سلام بر تو ای پیشوای امین ، سلام بر تو ای پیش نهاده ی آرزو شده ،

الْمَأْمُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ أُشْهِدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي

سلام بر تو به همه سلام ها ، تو را گواه می گیرم ای مولایم که

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ

گواهی می دهم معبودی جز خدا نیست ، یگانه است و شریکی ندارد و محمد بنده و

رَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَ أَهْلُهُ وَ أَشْهِدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

فرستاده اوست ، محبوبی جز او و اهل بیتش نیست و تو را گواه می گیرم ای مولایم ، بر اینکه علی امیر مؤمنان

حُجَّتُهُ وَ الْحَسَنَ حُجَّتَهُ وَ الْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ وَ حَسَنَ وَ حُسَيْنَ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ

وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ

و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر

حُجَّتَهُ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَ عَلِيَّ بْنَ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ

مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ إِلَيْنَا

و حسن بن علی ، حجت های خدایند و گواهی می دهم که تو حجت خدایی ، شما

الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَ أَنَّ رَجَعْتُمْ حَقُّ لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ

آغاز و انجام هستید ؛ و همانا بازگشت شما حق است ، تردیدی در آن نیست ، روزی که

نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا

کسی را ایمانش سود نبخشد که پیش از این ایمان نیاورده بود یا در ایمانش کسب خیری نکرده بود

وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ أَنَّ نَاكِرًا وَ نَكِيرًا حَقٌّ وَ أَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ وَ

و گواهی می دهم که مرگ و ناگر و نکیر و زنده شدن و

الْبُعْثَ حَقٌّ وَ أَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَ الْمِرْصَادَ حَقٌّ وَ الْمِيزَانَ حَقٌّ وَ الْحَشْرَ

برانگیختن و صراط و کمینگاه و میزان و گردآوردن

حَقٌّ وَ الْحِسَابَ حَقٌّ وَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ الْوَعْدَ وَ الْوَعْدَ بِهِمَا حَقٌّ

و حساب و بهشت و دوزخ و وعده و تهدید به هر دو حق است

يَا مَوْلَايَ شَقِيٍّ مَنْ خَالَفَكَمْ وَ سَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا

ای مولای من ، بدبخت شد کسی که با شما مخالفت ورزید و خوشبخت شد کسی که از شما اطاعت کرد ،

أَشْهَدُ تَكَّ عَلَيَّ وَ أَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيءٌ مِنْ عَدُوِّكَ فَالْحَقُّ مَا

پس گواه باش بر آنچه تو را بر آن گواه گرفتم و من دوست تو و بیزار از دشمن توأم ، پس حق

رَضِيْتُمُوهُ وَ الْبَاطِلُ مَا أَسَخَطْتُمُوهُ وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَ

آن است که شما به آن خشنود شدید و باطل آن است که شما از آن ناخشنود گشتید و معروف

الْمُنْكَرَ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ

آن است که شما به آن امر فرمودید و منکر آن است که شما از آن نهی کردید ، پس نهاد من مؤمن به

بِرَسُولِهِ وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَ آخِرُكُمْ وَ

خدای یگانه بی شریک و به رسول او و به امیرمؤمنان و به شماست ای مولای من ، به آغاز و انجام شما

نُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ وَ مَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ آمِينَ آمِينَ .

و یاری ام برای شما آماده و دوستی ام نسبت به شما بی آرایش است ، اجابت فرما ، اجابت فرما .

و بعد از آن این دعا خوانده شود

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَ

خدایا من از تو می خواهم که بر محمد پیامبر رحمت و

كَلِمَةٍ نُورِكَ وَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَ صَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَ

کلمه نورت درود فرستی و پر کنی دلم را با نور یقین و سینه ام را با نور ایمان و

فِكْرِي نُورَ التِّيَابِ وَ عَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ وَ قُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَ فِكْرَمِ رَا بَا نُورِ التَّصْمِيمِ وَ ارَادَةِ ام رَا بَا نُورِ الدَّانِسِ وَ نِيروِيْمِ رَا بَا نُورِ الْعَمَلِ

و

لِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَ دِينِي نُورَ البَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَ بَصِيرِي زَبَانِمِ رَا بَا نُورِ الرَّاسْتِي وَ دِينِمِ رَا بَا نُورِ الْبِنَائِي اَزْ سُوِيْ خُوْدِ وَ دِيْدَةِ ام

را

نُورِ الصِّيَاءِ وَ سَمْعِي نُورِ الْحِكْمَةِ وَ مَوَدَّتِي نُورِ الْمُوَالَاهِ بَا نُورِ الرَّوْشَنَائِي وَ كُوْشَمِ رَا بَا نُورِ الْحَكْمَتِ وَ مَوَدَّتِمِ رَا بَا نُورِ الدَّوْستِي

لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَتَّى الْفَاكِ وَ قَدْ وَفَيْتُ بَعَهْدِكَ

محمد و خاندانش (درود بر ایشان) تا دیدارت کنم درحالی که به عهد

وَ مِيثَاقِكَ فَتَغْشِيَنِي رَحْمَتُكَ يَا وَلِيَّيْ يَا حَمِيْدُ .

و پیمانان وفا کرده ام ، پس فرا بگیرد رحمت مرا ای سرپرست و ای ستوده ، اللَّهُمَّ صَيِّلٌ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ حُجَّجَتِكَ فِي أَرْضِكَ وَ

خَلِيْفَتِكَ فِي بِلَادِكَ

خدایا درود فرست بر محمد [نام مبارک امام دوازدهم] ، حجتت در زمینت و خلیفه ات در کشورهایت

وَ الدَّاعِي اِلَى سَبِيْلِكَ وَ الْقَائِمِ بِقِسْطِكَ وَ السَّائِرِ بِأَمْرِكَ وَ لِيَّ

و دعوت کننده به راهت و قیام کننده به عدلت و انقلاب کننده به فرمانت ، دوست

الْمُؤْمِنِينَ وَ بَوَارِ الْكَاْفِرِينَ وَ مُجَلَّى الظُّلْمَةِ وَ مُنِيرِ الْحَقِّ وَ النَّاطِقِ اهل ايمان و نابودکننده کافران و زداینده تاریکی و روشنی
بخش حق و گویای

بِالْحِكْمَةِ وَ الصِّدْقِ وَ كَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي اَرْضِكَ الْمُؤْتَقَبِ الخَائِفِ به حکمت و راستی و کلمه کاملت در زمین ، آن منتظر
بیمناک ،

وَ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ سَيِّفِيهِ النَّجَاهِ وَ عِلْمِ الْهُدَى وَ نُورِ ابْصَارِ الْوَرَى ولى خیرخواه ؛ کشتی نجات و پرچم هدایت و روشنی دیدگان
مردم

وَ خَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَ ارْتَدَى وَ مُجَلَّى الْعَمَى الَّذِي يَمْلَأُ الْاَرْضَ وَ بَهْتَرِينَ كَسَى که جامه و ردای خلافت پوشید و زداینده
کوردلی که زمین را

عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

پر از عدل و داد می کند ، چنان که از ستم ستمکاران پر شده که تو بر هر چیز توانایی .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَاٰلِكَ وَ ابْنِ اَوْلِيَاٰئِكَ الَّذِيْنَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ

خدایا درود فرست بر ولی ات و فرزند اولیایت ، آنان که اطاعتشان را لازم نمودی

وَ اَوْجِبْتَ حَقَّهُمْ وَ اَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا

و حَقشان را واجب کردی و پلیدی را از ایشان زدودی و پاکشان نمودی پاک ساختنی درخور .

اللَّهُمَّ اَنْصِرْهُ وَ اَنْصِرْ بِهِ لِدِيْنِكَ وَ اَنْصِرْ بِهِ اَوْلِيَاٰئَكَ وَ اَوْلِيَاٰئَهُ خدایا او را یاری کن و به وسیله او برای دینت پیروزی آور و
اولیایت

وَ شَرِيْعَتَهُ وَ اَنْصِرْ اَرَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ اللّٰهُمَّ اَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَ و اولیایش و پیروان و یارانش را ، به سبب او یاری ده . خدایا
پناهِش ده از شر هر متجاوز

طَاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَوَسْرِكَشَ وَازْشَرِّ تَمَامِ آفَرِيدِ گَانَتِ وَ او را محافظت فرما از پیش رو و پشت سرش

عَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَاحْرُسْهُ وَامْنَعُهُ مِنْ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَ

و از راست و چپ و از او پاسداری کن و از اینکه به او آسیبی رسد

احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ وَ أَظْهَرِ بِهِ الْعَدْلَ وَ أَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ

نگهداری اش فرما و حفظ کن به وسیله او رسول و خاندان رسولت را ؛ و عدالت را به وسیله او آشکار نما

وَ أَنْصِرْ نَاصِرِيهِ وَ اخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَ اقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ اقْتُلْ بِهِ وَ او را به پیروزی تأیید کن و یاورش را یاری ده و واگذارنده اش را به خواری نشان و شکننده اش را بشکن

الْكَفَّارَ وَ الْمُتَافِقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ وَ بِهٖ وَسِيلَهُ او گردنکشان کفر را درهم بکوب و کافران را به قتل برسان و منافقان و همه بی دینان را از میان برادر هر

الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ ائْتَلْ بِهٖ الْأَرْضَ عَيْدَلًا وَ أَظْهَرِ بِهٖ كَجَا كِهٖ بَاشِنْدِ ، از مشارق و مغارب زمین و خشکی و دریای کره ی خاک و به وسیله او زمین را از عدالت پر کن

دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ و دین پیامبرت را به او نمایان ساز ، خدایا قرار ده مرا از یاوران و

أَعْوَانِهِ وَ أَتْبَاعِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ أَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا كَمَكَ كَارَانِ وَ پيروان و شیعیانش و به من بنمایان درباره خاندان محمد (درود بر ایشان) ، آنچه

يَأْمُلُونَ وَ فِي عَيْدُوهُمْ مَا يَحْدُرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ أَنَانِ آرزو دارند و درباره دشمنانشان آنچه از آن پرهیز می نمایند ای معبود حق آمین ،

يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

ای صاحب بزرگی و بزرگواری ، ای مهربان ترین مهربانان .

استغاثه به حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

و نیز ، مرحوم محدث قمی رحمه الله علیه در کتاب شریف « مفاتیح الجنان » از مرحوم سید علیخان در « کلم الطیب » نقل فرموده : این استغاثه‌ای است به حضرت صاحب الزمان (صلوات الله علیه) هر جا که باشی دو رکعت نماز به حمد و هر سوره که خواهی بگذار ، پس رو به قبله زیر آسمان بایست و بگو :

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلِ التَّامِّ الشَّامِلِ الْعَامِّ ، وَ صَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ وَ بَرَكَاتُهُ

سلام کامل ، تمام ، همه جانبه و فراگیر خدا و درود همیشگی و برکات

الْقَائِمَةِ التَّامَّةِ عَلَى حُجْبِهِ اللَّهِ وَ وَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ وَ بِلَادِهِ ، وَ خَلِيفَتِهِ

پاینده و برازنده حق بر حجت خدا و جانشین او در زمین و تمامی سرزمین ها و خلیفه او

عَلَى خَلْقِهِ وَ عِبَادِهِ ، وَ سُلَالَةِ النَّبِيِّ ، وَ بَقِيَّةِ الْعِثْرَةِ ، وَ الصَّفْوَةِ

بر همه خلق و بندگان ، آن که از نسل نبوت و باقیمانده عترت و از برگزیدگان است ،

صَاحِبِ الزَّمَانِ ، وَ مُظْهِرِ الْإِيمَانِ ، وَ مُلَقِّنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ وَ مُطَهِّرِ

صاحب زمان و آشکار کننده ایمان و معلم احکام قرآن و پاک کننده

الْأَرْضِ ، وَ نَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ وَ الْعَرْضِ ، وَ الْحُجْبَةِ الْقَائِمِ

زمین و گستراننده عدالت در طول و عرض جهان و حجت پایدار

الْمُهْدِيِّ ، الْإِمَامِ الْمُتَنْتِظَرِ الْمُرْتَضَى ، وَ ابْنِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ ، الْوَصِيِّ

مهدی ، آن امام مورد انتظار ، پسندیده و فرزند امامان پاک ، جانشین

بِنِ الْأَوْصِيَاءِ الْمُرْتَضِيِّينَ ، الْهَادِي الْمَعْصُومِ ابْنِ الْأَيْمَةِ الْهَدَاهِ الْمَعْصُومِينَ .

و فرزند جانشینان پسندیده ، رهبر معصوم و فرزند پیشوایان راهبر معصوم ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای عزّت بخش اهل ایمان و همه آنان که ناتوانشان شمردند ، سلام بر تو ای

مُذِلَّ الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ

خوار کننده کافران گردنکش و ستمکار؛ سلام بر تو ای سرورم

يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای صاحب الزمان ، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو

يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ

ای فرزند امیرمؤمنان ، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا ، سرور بانوان

العَالَمِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْاِثْمَةِ الْحُجَّجِ الْمَعْصُومِينَ وَ جِهَانَ ،

سلام بر تو ای فرزند امامان ، آن حجّت های معصوم و

الامامِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ

ای پیشوای همه خلایق ، سلام بر تو ای سرورم ، سلامی

مُخْلِصٍ لَكَ فِي الْوَلَايَةِ . أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَ

با کمال خلوص به تو در ولایت و پیروی ، گواهی می دهم که همانا تو امام راه یافته در گفتار و

فِعْلًا ، وَ أَنَّكَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا ، بَعْدَ مَا مَلِئْتَ

کرداری و تویی آن که زمین را با عدل و داد پر کنی ، پس از آنکه

ظُلْمًا وَ جَوْرًا فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ وَ سَهَّلَ مَخْرَجَكَ ، وَ قَرَّبَ

از ستم و جور پر شد، پس خدا در گشایش کارت شتاب و آمدنت را آسان نماید؛ و زمانت

زَمَانِكَ ، وَ كَثُرَ أَنْ صَارَكَ وَ أَعْوَانِكَ ، وَ أَنْ جَزَلَ لَكَ مَا وَعَدَكَ ،

نزدیک فرماید و بر یاران و یاوران بیفزاید و به آنچه به تو وعده داده وفا کند

فَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ « وَ نُرِيدُ أَنْ نَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا

فی که خدا راست گویندگان است که در قرآن فرموده : « و ما می خواهیم بر کسانی که در

الْأَرْضِ وَ نَجْعَلُهُمْ أَنْمَةً وَ نَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ » يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ

زمین ناتوان شمرده شده اند منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم « ای سرورم ای صاحب الزمان ،

الزَّمانِ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، حَاجَتِي كَذَا وَ كَذَا ، فَاشْفَعْ لِي فِي

ای فرزند رسول خدا ، حاجت من این و آن است ؛ در برآورده شدن حاجاتم نزد خدا

نَجَاحِهَا ، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي لِعِلْمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ

واسطه شو ، من با حاجاتم بسوی تو رو نمودم ، چون می دانم شفاعت تو نزد خدا پذیرفته

شَفَاعَةً مَقْبُولَةً وَ مَقَامًا مَحْمُودًا ، فَبِحَقِّ مَنْ اخْتَصَّكُمْ بِأَمْرِهِ

می شود و مقام تو در بارگاهش بس ستوده است ، پس به حق آن که شما را به امر خویش خاص گرداند

وَ ارْتَضَاكُمْ لِإِسْرِهِ ، وَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ ،

و برای بیان اسرارش برگزید و به حق جایگاهی که شما در پیشگاه خدا دارید که تنها بین شما و اوست ،

سَلِ اللَّهَ تَعَالَى فِي نُجْحِ طَلِبَتِي وَ إِجَابَةِ دَعْوَتِي ، وَ كَشْفِ كُرْبَتِي .

برآوردن خواهشم و اجابت دعایم و برطرف شدن اندوهم را از خدا بخواه .

و بخواه هر چه خواهی ، که به خواست خدا برآورده شود . ان شاء الله تعالی .

مرحوم محدث قمی (رحمه الله علیه) گوید : بهتر آن است که در رکعت اول این نماز استغاثه ، بعد از حمد ، سوره « إِنَّا فَتَحْنَا »

بخواند ، و در رکعت دوم سوره « إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ » .

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

